



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته مشاوره خانواده

عنوان:

بررسی رابطه بین احساس شرم و گناه و نگرشهای مذهبی در
دانشجویان دانشگاههای دولتی شهر تهران
سال تحصیلی 86-87

استاد راهنما:

دکتر باقر ثنائی ذاکر

استاد مشاور:

دکتر پروین کدیور

دانشجو:

مهديه رئیسی

چکیده :

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه احساس شرم و گناه با نگرشهای مذهبی در دانشجویان دختر و پسر صورت گرفت . بدین منظور جامعه پژوهش ، دانشجویان دانشگاههای دولتی شهر تهران در نظر گرفته شد . نمونه پژوهش 262 نفر (143 ، دختر و 119 ، پسر) از دانشجویان دوره کارشناسی بودند . که از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند . جهت جمع آوری اطلاعات از آزمون عاطفه خود - آگاه (TOSCA) به منظور سنجش شرم و گناه و از مقیاس سنجش دینداری دانشجویان برای اندازه گیری نگرش مذهبی استفاده شد .

فرضیه های پژوهش حاکی از آن بودند که بین احساس شرم و گناه و نگرشهای مذهبی رابطه وجود دارد . همچنین بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ احساس شرم و گناه و نگرشهای مذهبی تفاوت وجود دارد . جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از همبستگی پیرسون ، آزمون T استودنت ، و رگرسیون استفاده شد . نتایج نشان داد که بین احساس شرم و نگرشهای مذهبی رابطه وجود ندارد . در حالیکه بین گناه و نگرشهای مذهبی رابطه معناداری وجود دارد . به این معنی که هر چه نگرش مذهبی بالاتر باشد احساس گناه نیز بالاتر است . همچنین نتایج نشان داد که بین دختران و پسران در احساس شرم و گناه تفاوت معناداری وجود دارد . اما در نگرشهای مذهبی بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد .

فهرست

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات پژوهش

2	مقدمه.....
5	بیان مسئله.....
7	اهمیت و ضرورت.....
8	اهداف پژوهش.....
8	سوالهای پژوهش.....
9	فرضیه های پژوهش.....
	تعریف واژه ها و اصطلاحات
10	الف. تعریف مفهومی متغیرها.....
11	ب. تعریف عملیاتی متغیرها.....

فصل دوم : ادبیات و پیشینه تحقیق

الف : مرور مبانی نظری پژوهش

13	نگرش مذهبی.....
14	روانشناسی و مذهب.....
20	تاثیر اندیشه های مذهبی بر فرایند رواندمانگری.....

23.....	مذهب و سلامت روان.....
25.....	گناه.....
29.....	سبب شناسی گناه.....
31.....	اخلاق و احساس گناه.....
32.....	شرم.....
36.....	نظریات مربوط به شرم.....
36.....	نظریه فروید.....
37.....	نظریه اریکسون.....
37.....	نظریه های کارکرد گرایی.....
39.....	نظریه های اسنادی - شناختی.....
41.....	نظریه های دل بستگی.....
43.....	شرم و گناه از دیدگاه الهیات.....
47.....	منابع شرم.....
55.....	تمایزات میان شرم و گناه.....
55.....	دیدگاه روان تحلیل گری.....
56.....	دیدگاه مردم شناسی.....
56.....	دیدگاه لوپس.....
58.....	شرم ، گناه و جنسیت.....
59.....	شرم و گناه در میان فرهنگ های مختلف.....
60.....	شرم و گناه و سلامت روان.....

ب : یافته های پژوهش

- 63..... پژوهش های انجام شده در ایران.....
- 65..... پژوهش های انجام شده در خارج از ایران.....
- 67..... جمع بندی.....

فصل سوم روش تحقیق

- 69..... طرح پژوهش.....
- 69..... جامعه آماری.....
- 69..... روش نمونه گیری و حجم نمونه.....
- 70..... روش و ابزار جمع آوری اطلاعات.....
- 70..... 1- آزمون عاطفه خود آگاه.....
- 71..... پایایی آزمون عاطفه خود آگاه.....
- 72..... 2- مقیاس سنجش نگرش مذهبی دانشجویان.....
- 72..... روایی آزمون.....
- 73..... روایی محتوایی.....
- 74..... روایی ملاکی همزمان.....
- 74..... روایی سازه.....
- 75..... پایایی.....
- 75..... روش نمره گذاری پرسشنامه سنجش نگرش مذهبی دانشجویان.....
- 76..... روش نمره گذاری آزمون عاطفه خود آگاه.....

فصل چهارم تجزیه و تحلیل اطلاعات

78.....مقدمه

78.....داده های توصیفی

80.....داده های استنباطی

فصل پنجم بحث و نتیجه گیری

86.....بحث و نتیجه گیری

92.....محدودیت های پژوهش

92.....پیشنهاد های پژوهش

93.....پیشنهاد های کاربردی

منابع و ماخذ

95.....منابع فارسی

97.....منابع انگلیسی

102.....پیوست

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه:

شرم^۱ و گناه^۲ دو هیجانی هستند که اخیرا به آنها توجه شده است. هر دوی آنها آزاردهنده، خود ارزیابانه و اخلاقی هستند. که با تخلف، اشتباه یا شکستی که در یک زمینه بین فردی رخ می دهد، فراخوانده می شوند (تانگنی^۳، ۱۹۹۵؛ به نقل از بار^۴، ۲۰۰۳). در گناه احساس منفی و پشیمانی در رابطه با عمل خاصی در فرد ایجاد می شود. یعنی فردی که مرتکب گناه شده، می تواند به خود به عنوان یک انسان خوب که کار بدی انجام داده احترام بگذارد. در نتیجه گناه افراد را برای خنثی کردن تاثیر بد عملشان بر می انگیزد. در مقابل شرم این احساس را که همه وجود فرد بد است در بر می گیرد، و نمی توان انتظار داشت که یک پوزش ساده چنین حالت بدی را حل کند (لایت و بایمستر^۵، ۱۹۹۸). شرمساری به فرد احساس "بد بودن و در اشتباه بودن را القاء می کند، که نه بر اثر انجام عملی بلکه به صرف موجود بودن احساس می شود. به بیانی دیگر این احساس صرفا نه به علت نادرست انجام دادن یا "بد" انجام دادن کاری است، بلکه نحوه بودن فرد، همان موجودیت او خطاست (برادشاو^۶، ترجمه مقدم، ۱۳۸۱).

طبق نظریه فروید^۷ احساس شرم در مرحله آلتی، که دختر و پسر بر سر هدف میل جنسی دچار تعارض شده و هر کدام به والد جنس مخالف متمایل می شود، ایجاد می شود. که عامل مهم در پیدایش آن نحوه برخورد والدین با امیال جنسی فرزند است. اریکسون^۸ نیز در مدل

-
1. shame
 2. guilt
 3. Tangney
 4. Bar
 5. Leith & Baumeister
 6. Brodshaw
 7. Freud
 8. Erikson

رشدی خود به پیدایش شرم (در مرحله خود مختاری و استقلال در برابر شرم و شک) اشاره می‌کند. وی اظهار می‌کند که در این مرحله بین خواسته های کودک و والدین تضاد وجود دارد ، در صورتی که به کودک اجازه داده نشود که اراده خود را تمرین کند در روابط خود با دیگران دچار شرم خواهد شد (شولتز^۱ ، کریمی ، ۱۳۷۵).

نظریات کارکرد گرایی بر کارکرد انطباقی شرم که به عنوان یک فرایند تنظیم کننده ارتباط درون فردی و برون فردی عمل می‌کند ، تمرکز دارد. همچنین این نظریات بر پایه نظریه تکاملی داروین و این مفهوم که هیجانها ، کارکردی انطباقی دارند و برای افزایش شانس بقا عمل می‌کنند ، قرار دارند (بارت و کامپوس^۲ ، ۱۹۸۷). در مدل رشدی کارکردی بارت از شرم (بارت ۱۹۹۵ ، ۱۹۹۸) هدف انطباقی شرم ، حفظ پذیرش دیگران و عزت نفس از طریق یادگیری و حفظ استاندارد ها و تسلیم شدن به دیگران است (میلز^۳ ، ۲۰۰۵).

نظریه های شناختی فرایندهای ارزیابی شناختی را که شرم را فرا می‌خوانند نشان می‌دهند و بیان می‌کنند که شرم به وسیله ارزیابی خود به عنوان یک کل تسریع می‌شود. گناه نیز توسط رویکرد های درمانی گوناگون به طور متفاوتی مفهوم بندی شده است. طبق نظریه فروید احساس گناه ناشی از مذهب و اخلاق است و با یک خصومت نا خودآگاه نسبت به دیگران مرتبط است و طبق گفته وی احتمالاً بشر گناه را در همان آغاز خلقت به عنوان نتیجه تمایل به زنا با محارم تحصیل کرده است (میسنر^۴ ، ۱۹۸۴). اریکسون متقد است اگر ابتکارهای کودک بازداری شوند و این احساس در او ایجاد شود که ابتکارهای جدید او نا مناسب و بد هستند احساس گناه خواهد کرد. که این احساس گناه پایدار خواهد ماند و تمام فعالیت های خودانگیخته وی را در ادامه زندگی تحت الشعاع قرار خواهد داد (شولتز ، کریمی، ۱۳۷۵).

-
1. Shoults
 2. Barrett & Compos
 3. Mills
 4. Meissner

شرم و گناه بر اساس بسیاری از تحقیقات زیر بنای بسیاری از آسیب های روانی هستند ، هر انسانی در زندگی روزمره خود به دلایل مختلف دچار شرم و گناه شده است . و هر یک از ما ظرفیتی برای تجربه این دو هیجان داریم ، البته برخی افراد در این زمینه ها مستعد تر هستند. به دلیل اهمیت دین در طول زندگی انسان ، از هنگام آغاز به کار روانشناسی علمی پرداختن به جنبه های روانشناختی دین مورد توجه بوده است. در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله ای وجود نداشته که دین نداشته باشد ، حتی بومی های نواحی مرکزی استرالیا و هندی های پاتاگونیا که دارای ابتدایی ترین اشکال زندگی بشری هستند نیز به نوعی به عالم ارواح اعتقاد داشته و به صورتی مشغول پرستش می باشند (هیوم^۱، ۱۳۶۹). با این حال رابطه مذهب و روانشناسی دستخوش تحولات زیادی بوده است ؛ زمانی که روانشناسی پا به عرصه علوم طبیعی می گذاشت درگیری با مذهب به اوج خود رسیده بود ، مکتب مادی نگری مذهب را طرد و از آن به عنوان افیون ملت ها یاد می کرد. فروید (۱۹۲۷-۱۹۶۳) به عنوان مهمترین نظریه پرداز روانشناسی از دهه های اول قرن بیستم مذهب را واجد مولفه های بیماری زا می دانست ، او گاهی آن را در "فراخود"^۲ بنا می کرد و بر مبنای شکل گیری عقده ادیپ تبیین می نمود و گاهی ریشه آن را در "نهاد"^۳ جستجو می کرد و آن را بر مبنای خود دوست داری تبیین می نمود . بنا براین هیچ گاه برای مذهب جایگاهی در "من"^۴ به عنوان پایگاه واقعی و منطقی شخصیت قائل نبود (جونز^۵، ۱۹۹۶). در دهه های بعد نیز روانشناسی راهی جدا از مذهب پیمود ، و تلاش در جهت انکار ونفی مذهب و به ویژه نقش آن در سلامت روان ادامه یافت ، حتی شناختی نگر هایی که بحث از مولفه های منطقی و غیر منطقی می کردند مانند الیس^۶ (۱۹۸۰) مذهب را طرد کردند و موضعی منفی نسبت به خداوند و کارآمدی مذهب اتخاذ

1.Heium
2.superego
3.id
4.ego
5.Jouns
6.Ellis

نمودند . ونظریه های غالب روانشناسی مانند روان تحلیلی و رفتارنگری این رابطه را ضعیف تر کرد . با این حال چهره های برجسته ای مانند یونگ^۱ ، جیمز^۲ ، آلپورت^۳ ، فروم^۴ بر خلاف افکار فروید نظری خوشبینانه به رابطه میان مذهب و سلامت روان داشتند و به بحث هایی در زمینه مذهب و رابطه آن با تحول شخصیت و سلامت روان پرداخته اند .

با توجه به تعریفی که از شرم و گناه ارائه شد ، و نیز دیدگاه های متفاوتی که در رابطه با مذهب بیان گردید پژوهش حاضر به منظور روشن تر شدن رابطه این دو متغیر و بررسی آنها می پردازد .

بیان مساله:

با آنکه بررسی در زمینه های گوناگون مذهبی ، قدمتی بس طولانی دارد . اما مطالعه ی مذهب از دیدگاه روانشناختی از حدود یکصد سال پیش آغاز شده است . و به دلیل اهمیت دین در تاریخ زندگی ، از هنگام آغاز به کار روانشناسی علمی ، پرداختن به جنبه های روانشناختی دین مورد توجه روانشناسان بوده است . مذهب از جمله متغیرهایی است که پیچیدگی های مبهم و نقشهای حتی ضد و نقیض آن در شکل دهی سلامت روان ثابت شده است (محمدی ؛ مهرابی زاده هنرمند ، ۱۳۸۵) .

تحقیقات اخیر در روانشناسی و روان تحلیلی بر روی دو احساس خیلی مهم مرتبط با عملکرد فراخود یعنی ، شرم و گناه متمرکز شده اند . که هر دوی آنها هیجانات منفی هستند . که به دنبال سرپیچی از استانداردهای اخلاقی^۵ یا غیر اخلاقی و ایده آل ها ایجاد می شود . گناه

1.Yung
2.Jaims
3.Allport
4.From
5.moral

به عنوان نقطه تلاقی روانشناسی و مذهب توصیف شده است (نارامور^۱، ۱۹۷۴). همچنین طبق نظریه فروید و دیگر روان تحلیلگران احساس گناه ناشی از مذهب و اخلاق است و با یک خصومت نا آگاه نسبت به دیگران مرتبط است. فروید و دیگر روان تحلیلگران معتقدند که منابع قدرت از جمله مذهب از طریق آموزشهایی که در کودکی در مورد جنسیت و خشم می دهند، بر زندگی بزرگسالی ما و ایجاد احساس گناه موثرند (میسنر، ۱۹۸۴).

الیس (۱۹۸۰) نیز معتقد است که گناه نتیجه مخرب و غیر ضروری مذهب است. و مذهب احساس گناه را پرورش می دهد. به علاوه مذاهبی که از طریق ایجاد وحشت سعی دارند ما را کنترل کنند، نوعی بدبینی معنوی ایجاد می کنند که موجب ترس، بیماری روحی، احساس بی ارزشی و احساس گناه می شوند (بوریسنکو^۲، ترجمه تمدن، ۱۳۷۵). با این حال مطالعات بسیار کمی رابطه میان شرم و گناه و موضوعات مذهبی را بررسی کرده اند. بررسی بیش از ۲۰۰ پژوهش توسط گارتنر^۳، لارسون و آلن^۴ (۱۹۹۲)، نشان داد که سطوح پائین دینداری با اختلالاتی مانند مصرف مواد الکلی، خودکشی و رفتار ضد اجتماعی مرتبط است. در حالی که سطوح بالای دینداری با اختلالاتی مانند گناه افراطی مرتبط است. پژوهش لویتن^۵ و دیگران (۱۹۹۸) نیز نشان داد که موضوعات مذهبی در کل برای احساس گناه مستعدتر هستند و همچنین احساس گناه بیشتری گزارش می کنند. اما در مورد شرم موضوعات مذهبی شرم بیشتر یا آمادگی بیشتری برای شرم نسبت به سایر موضوعات گزارش نکردند. آنها همچنین دریافتند که مذهب می تواند در برخی موارد تاثیرات ناسازگارانه شرم در عملکرد های بین فردی و درون فردی را کاهش دهد.

1.Naramor
2.Borysenko
3.Gartner
4.Larson & Allen
5.Luyten

از سوی دیگر تحقیقاتی که به منظور سنجش اثر مذهب بر سلامت روان انجام گرفته ، نتایج واحدی گزارش نکرده اند . بطور مثال کوئینگ^۱ و لارسون (۲۰۰۱) با بررسی ۸۵۰ پژوهش مربوط به مذهب نتیجه گرفتند که در ۸۰ درصد این پژوهشها ارتباط بین مذهب و سلامت روان مثبت گزارش شده است . در حالیکه پین^۲ وهمکاران (۱۹۹۱) نیز با مرور مجموعه ای از پژوهشها ، ارتباطی بین مذهب گرایی و پیشگیری از اختلالات بالینی عمده بدست نیاوردند .

با توجه به آنچه که بیان شد و اینکه احساس شرم و گناه در نتیجه سرپیچی از ارزشهای اخلاقی و باید و نبایدها در افراد ایجاد می شوند و مذهب هم یکی از عوامل مهمی است که ارزشها و باید و نبایدهای خاصی برای افراد پیرو خود اعمال می کند. پژوهش حاضر در صدد است به این مسئله پردازد که آیا بین نگرشهای مذهبی و احساس شرم و گناه رابطه وجود دارد یا خیر؟

ضرورت انجام تحقیق:

مذهب و موضوعات معنوی نقش مهمی در زندگی بسیاری از افراد ایفاء می کنند . به طوری که شفرنسک^۳ (۱۹۹۶) بیان می کند که بررسی های اخیر نشان داده است که ۹۳ درصد از امریکایی ها با گروه های مذهبی مرتبط هستند و بیش از ۸۰ درصد نیز گزارش کردند که مذهب نقش مهمی در زندگی شان ایفاء می کند . و نیز با توجه به نفوذ و نقش بسیار مهم مذهب در جامعه ما ، و این که اخیراً بحث هایی پیرامون شرم و گناه به عنوان زیر بنای آسیب های روانی مطرح شده ، در نتیجه پرداختن به رابطه این دو متغیر و تا ثیرات و پیامد های آن ضروری می باشد .

1.Koing
2.Pin
3.Shafransk

به خصوص که در کشور ما پژوهش های بسیار کمی در این زمینه صورت گرفته و بر اساس بررسی محقق در زمینه رابطه شرم و گناه با نگرش های مذهبی تحقیقی صورت نگرفته است . بنابراین ضروری است که پژوهش حاضر بتواند به دانش متخصصان این حرفه بیفزاید و زمینه ای برای پژوهش های آتی باشد .

اهداف:

هدف کلی:

تعیین رابطه بین احساس شرم و گناه و و نگرشهای مذهبی دانشجویان.

اهداف جزئی:

- تعیین میزان احساس شرم و گناه در دانشجویان دختر .
- تعیین میزان احساس شرم و گناه در دانشجویان پسر .
- تعیین میزان نگرشهای مذهبی در دانشجویان دختر .
- تعیین میزان نگرشهای مذهبی در دانشجویان پسر.

سوالهای اصلی تحقیق:

- آیا بین احساس شرم و نگرشهای مذهبی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین احساس گناه و نگرشهای مذهبی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟

سوالهای فرعی تحقیق:

- آیا بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ احساس شرم تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ احساس گناه تفاوت معنی داری وجود دارد؟
- آیا بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ احساس نگرش مذهبی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

فرضیه های اصلی تحقیق:

- بین احساس شرم با نگرشهای مذهبی دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد .
- بین احساس گناه با نگرشهای مذهبی دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد .

فرضیه های فرعی:

۱. بین دانشجویان دختر و پسر در احساس شرم تفاوت معنادار وجود دارد.
۲. بین دانشجویان دختر و پسر در احساس گناه تفاوت معنادار وجود دارد.
۳. بین دانشجویان دختر و پسر در نگرشهای مذهبی تفاوت معنادار وجود دارد.

تعاریف مفهومی واژه های پژوهش :

شرم

شرم یک خود ارزیابی کلی و منفی مرتبط با احساس درماندگی و نا فعالی مربوط به خطا و اشتباه است . در تجربه شرم تمرکز بر " تمامیت " خود است . ارزیابی منفی از "خود" خویش منجر به آن می شود که فرد فکر کند من فرد بدی هستم (لویس ، ۱۹۷۱ ، به نقل از انولی و پاسکوچی ، ۲۰۰۵) .

گناه :

هیجانی است مرکب از احساس پشیمانی و تمایل به جبران مبنی بر این که فرد رفتار یا عمل خود را مورد سرزنش قرار می دهد (تانگی ، ۱۹۹۰) .

نگرش مذهبی :

نگرش مذهبی ، مجموعه ای از اعتقادات ، احساسات و اعمال فردی یا جمعی است که حول مفهوم حقیقت غائی یا امر مقدس سامان یافته است . این حقیقت غائی را می توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر ، واحد یا متکثر ، متشخص یا نامتشخص ، الوهی یا غیر الوهی و نظیر آن تلقی کرد (پترسون ، ترجمه نراقی و سلطانی ، ۱۳۷۷ ، به نقل از خدایاری فرد و همکاران) .

تعاریف عملیاتی واژه های پژوهش :

شرم :

در پژوهش حاضر شرم یکی از ابعاد آزمون عاطفه خود - آگاه است . واز حاصل جمع نمرات مربوط به موقعیت های مربوط به شرم محاسبه می گردد .

گناه:

در پژوهش حاضر گناه یکی از ابعاد مربوط به آزمون عاطفه خود - آگاه است . و از حاصل جمع نمرات مربوط به گناه حاصل می گردد .

نگرش مذهبی :

در پژوهش حاضر نگرش مذهبی عبارتست از نمره کل حاصل از پرسشنامه سنجش دینداری دانشجویان که حاصل جمع نمره چهار بعد اصلی این پرسشنامه یعنی : شناخت دینی ، باور دینی ، گرایش و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی است.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق

نگرش مذهبی:

نگرش نظامداری از باورها و اعمال نسبت به امور مقدس است. نگرش مذهبی ایستاری معطوف به امور مقدس است. که در دویعد دینی شناسی^۱ و دین باوری^۲ تعریف می شود. که در آن فرد با توجه به قدرت معنوی، قدرت دنیوی را تقدیس و تعدیل می کند و به او گوشزد می نماید که سلسله مراتب استعدادها در قبال سلسله مراتب شایستگیهای اخلاقی و دینی چیزی نیست. این نگرش موجب توجه به قدرت معنوی گشته و به سبب آن احتمال و اطمینان فرد، سازگاری وی با جامعه تامین می گردد (به نقل از ضرابیها، ۱۳۸۲).

از دیدگاه پترسون نیز مذهب مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی یا جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس سامان یافته است. این حقیقت غایی را می توان بر حسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظیر آن تلقی کرد (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵). خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵) نیز نگرش مذهبی را این گونه تعریف می کنند، که عبارتست از "اعتقادات منسجم و یکپارچه ی توحیدی که خداوند را محور امور دانسته و ارزشها، اخلاقیات، آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با طبیعت، یکدیگر و خویشان تنظیم می کند". به علاوه ویلیام جیمیز معتقد است که احساسات مذهبی، احساساتی است که دارای طبیعت واحدی نیستند، بلکه آنها هم دسته ای از احساسات مختلف می باشند، مانند ترس مذهبی، عشق مذهبی، وحشت مذهبی و نشاط و سرور مذهبی. بنا بر این، تمام احساسات مختلف را می توانید با کلمه مذهب جمع کنید. همانطور که احساسات مذهبی یک نوع از احساسات و عواطف نبوده بلکه شامل مجموعه ای از احساسات و عواطف مختلفی هستند که بر پایه های مذهبی قرار دارند، موضوع مذهب هم یک چیز مشخص و منفردی نیست و همین طور است اعمال مذهبی

1. religiology

2. religisity

که آنها هم یکی نمی باشند ، بنا بر این مذهب عبارت خواهد بود از : تاثرات و احساساتی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه بستگی ها برای او روی می دهد . به طور یکه از این مجموعه او در می یابد که بین او و آن چیزی که او آنرا امرخدایی می نامد ، رابطه بر قرار است (جیمز ، ترجمه قائمی ، ۱۳۵۶) .

روان شناسی و مذهب

روانشناسان سعی دارند که مشخص کنند "احساسات مذهبی" چگونه وجودی است . بعضی آنها مربوط به حس تعلق و وابستگی آدمی می دانند ، پاره ای دیگر آنها منشعب از ترس دانسته و دیگران مربوط به غریزه جنسی اش می شناسند . وبالاخره هستند کسانی که آنها نتیجه احساسی که انسان از بی نهایت در خود می داند ، بدانند (ویلیام جیمز ، ترجمه قائمی ، ۱۳۶۵) که با تفصیل بیشتری به آنها خواهیم پرداخت .

فروید ، سردمدار رویکرد روان تحلیل گری ، دین را پندار یا "توهم" تلقی می کند . او بر آنست که دین از ترسهای اولیه نیاز به حمایت بشر نشات گرفته است ، تصور خدا هما نا فرا فکنی روح در آینه جهان کودک و آرزوهای ناخودآگاه او در باره ی قدرت مطلق و حمایت شدن و کوششی برای کنترل خشونت نامشخص جهان از طریق شخصیت بخشیدن به آن به عنوان خدای پدر وار است (الیاده^۱ ، ترجمه خرمشاهی ، ۱۳۷۵) . اظهارات فروید درباره دین ، تاثیر بسزائی نه تنها بر روانشناسی ، بلکه بر کل فرهنگ غرب داشته است . او همچنین اظهار داشت ، بنظر می رسد شکل گیری دین ، بر سر کوب پاره ای از انگیزه های غریزی و چشم پوشی و انکار آنها مبتنی است . و نتیجه می گیرد که دین را می توان به عنوان یک نوروز وسواس گونه^۲ همگانی در نظر گرفت (جلالی طهرانی ، ترجمه شیری ، ۱۳۸۳) .

1.Elyadeh
1.obssotinal